



Revisiting the View of Al-Muqaddas Al-Ardabili on Committing Murder through Modern Sorcery

Somayyeh Ali Akbari^{ID*}, Mohammad Hassan Haeri^{ID**} and Hosin Naseri Moghaddam^{ID***}

Received: 04 September 2024 | Recieved in revised form: 15 October 2024 | Accepted: 10 December 2024 | Published: 30 June 2025

Abstract

Sorcery has been discussed throughout human history and has manifested in diverse methods over time and across changing human societies. While Islam generally considers sorcery to be prohibited, it acknowledges that it can lead to extraordinary effects through manipulation of individuals, objects, or situations. In all eras, particularly the contemporary age, sorcerers employ innovative techniques, including black magic, certain degrees of hypnosis, and various computer games, which can significantly impact the minds and psyches of individuals, sometimes even endangering lives. This raises the fundamental question: Is it possible for a sorcerer to take a person's life through their sorcery and commit murder? If so, what is the means of proving such a murder and what punishment should the perpetrator face? Accordingly, this study, utilizing a descriptive-analytical method, concludes that most jurists, while acknowledging the existence of sorcery, consider it possible for a sorcerer to cause murder through their practices. They accept the confession of the sorcerer as valid evidence for such a murder, with the punishment being either talion (qisās) or wergild (diyah), depending on the nature of the killing. However, the prevailing opinion does not accept the proof of such a murder by the testimony of witnesses (bayyinah). In contrast, Al-Muqaddas Al-Ardabili argues that proving murder through sorcery is feasible with witness testimony and accepts such testimony. Conversely, those who deny the existence of sorcery do not accept the possibility of murder through sorcery, though they advocate for the execution of the sorcerer if they confess to committing murder.



Keywords: Confession, Witness Testimony, Talion for the Sorcerer, Murder by Modern Sorcery, Al-Muqaddasi Al-Ardabili.

* PhD student in theology (jurisprudence and principles of Islamic law), Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran; Email: saliakbary90@gmail.com

** Corresponding Author, Professor of Islamic Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Knowledge, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran; Email: Haeri-m@um.ac.ir

*** Professor of Islamic Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Knowledge, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran; Email: naseri1962@um.ac.ir

■ Ali Akbari, S., & others, (2025)., Revisiting the View of Al-Muqaddas Al-Ardabili on Committing Murder through Modern Sorcery. *Journal of New Issues in Islamic Jurisprudence*, 3 (1), 35-63. <https://doi.org/10.22091/rcjl.2025.11806.1098>



بازخوانی دیدگاه مقدس اردبیلی در ارتکاب قتل با سحرهای نوین

سمیه علی اکبری^{ID*}، محمد حسن حائری^{ID**} و حسین ناصری مقدم^{ID***}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۴ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۷/۲۴ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۰ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰

چکیده

سحر از پدیده‌هایی است که در تمام ادوار تاریخی مورد بحث بوده و در گذر زمان و تغییر جوامع بشری به روش‌های مختلفی به منصفه ظهور درآمده است. سحر که از منظر اسلام جز در مواردی حرام دانسته شده با تصرف در اشخاص، اشیا یا امور، سبب عملی خارق‌العاده می‌گردد. در تمام اعصار خصوصاً عصر کنونی، ساحران با روش‌هایی نوین سحر از جمله جادوی سیاه، برخی از درجات هیپنوتیزم، برخی از بازی‌های رایانه‌ای و ... تأثیراتی را بر اذهان و روان افراد می‌گذارند که گاه این تأثیرات جان افراد را فرامی‌گیرد، از این رو این سوال اساسی طرح می‌گردد که آیا ممکن است ساحر با سحر خود، جان شخصی را بگیرد و او را به قتل رساند؟ در صورت امکان راه اثبات چنین قتلی و مجازات مرتکب آن چیست؟ بر این اساس، جستار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی در نظر فقها بدین برآیند دست یافته که مشهور فقها ضمن پذیرش واقعیت داشتن سحر، وقوع قتل به سحر ساحر را ممکن دانسته و اثبات چنین قتلی را با اقرار ساحر به آن می‌پذیرند و مجازات مرتکب آن را به لحاظ نوع قتل، قصاص یا دیه می‌دانند؛ اما از دیدگاه مشهور، اثبات چنین قتلی با شهادت بینه بر این امر، مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. حال آن‌که مقدس اردبیلی، اثبات قتل با سحر با شهادت بینه را ممکن برشمرد و قائل به پذیرش این شهادت است. البته قائلین به واقعیت نداشتن سحر، امکان وقوع قتل با سحر را نپذیرفته‌اند، ولی با اقرار ساحر بر چنین قتلی نظر به کشتن ساحر از باب حد داده‌اند.



واژگان کلیدی: اقرار، شهادت بینه، قصاص ساحر، قتل از طریق سحرهای نوین، مقدس اردبیلی.

* دانشجوی دکترای الهیات (فقه و مبانی حقوق اسلامی)، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. | saliakbary90@gmail.com

** نویسنده مسئول، استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. | Haeri-m@um.ac.ir

*** استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران. | naseri1962@um.ac.ir

□ مولانی، اصغر. (۱۴۰۴). بازخوانی دیدگاه مقدس اردبیلی در ارتکاب قتل با سحرهای نوین، پژوهش‌های فقهی مسائل مستحدثه.

<https://doi.org/10.22091/rcjl.2025.11806.1098.35-65.1>

(۱) مقدمه

وقوع جنایت بر شخص یا به مباشرت و توسط خود مرتکب بر مجنی علیه وارد می شود یا به نحو تسبیب و به طور غیر مستقیم یا با اجتماع مباشر و سبب. یکی از صوری که در ذیل قتل به تسبیب در برخی کتب فقهی بدان اشاره شده، قتل با سحر است؛ یعنی ساحر با سحر نمودن شخص باعث مرگ وی شود. امروزه با پیشرفت جوامع بشری در عرصه های مختلف علمی، فناوری، تکنولوژی و ... ساحران در جهت رسیدن به اهدافشان از راه های جدیدی همچون هیپنوتیزم، قانون جذب و ... در جهت تأثیر گذاشتن بر روان، جسم و به طور کلی تمام ابعاد زندگی انسان ها استفاده می کنند که اصطلاحاً از آن ها تعبیر به سحرهای نوین و جدید می شود. با لحاظ این امر در باب قتل به تسبیب از نوع سحر، مسائلی مورد سوال واقع می گردد از جمله آن که: از نگاه فقهی و دیدگاه مقدس اردبیلی آیا اساساً امکان وقوع قتل با این روش های نوین سحر همچون هیپنوتیزم، جادوی سیاه، قانون جذب و ... وجود دارد و چنین قتلی به ساحر منتسب می گردد؟ در صورت انتساب، قتل مذکور چه نوع قتلی به شمار می آید؟ چه اموری موجب اثبات این قتل می گردند و اقرار و شهادت بینه بر آن چه حکمی دارند؟ یا به بیان دیگر آیا اثبات چنین قتلی با اقرار و شهادت بینه و قرائن ممکن است؟ مجازات مرتکب آن در صورت اثبات چیست؟

از آنجا که سحر در همه ادوار زمانی از صدر اسلام تاکنون مطرح بوده و به خصوص در عصر کنونی مورد توجه بسیاری از مردم است و در اشکال جدید توسعه یافته است، پرداختن به این مسئله از اهمیت وافری برخوردار است؛ هرچند در خصوص سحر تحقیقات متعددی نگارش یافته است؛ اما وجه تمایز جستار حاضر با آثار مشابه (سنجرپور، ۱۳۹۵؛ کاهدی، احمدی و عابدیان، ۱۳۹۶؛ خالقی و سیفی، ۱۳۹۲) این است که در این پژوهش ها، تنها به ماهیت سحر، انواع آن و حکم فقهی آن پرداخته شده است و به طور کامل و تفصیلی به بازگو نمودن و روشن سازی مسئله فوق الذکر نپرداخته اند، از این رو تبیین دیدگاه فقها در موضوع قتل با سحرهای نوین از نوآوری های این اثر محسوب می گردد؛ لذا جهت انجام این کار، بررسی دیدگاه مشهور فقها و مقدس اردبیلی با مستندات و دلایلشان در این خصوص مورد توجه واقع شده است.

۲) مفهوم‌شناسی

۲-۱) سحر در لغت

سحر در لغت به معانی مختلفی به کار رفته است؛ از جمله: ۱. خدعه و تخیلاتی که حقیقتی برای آن نیست، مثل شعبده‌بازی که چشمان ناظرین را با تردستی از اقدامی که می‌کند برمی‌گرداند یا مثل کاری که نماد و سخن چین می‌کند که با گفتار فریبنده گوش‌ها را از شنیدن حق باز می‌دارد؛ ۲. معاونت و یاری شیطان به طریق تقرب جستن به او است؛ ۳. چیزی است که مراتضین به سویش می‌روند و فعلی است که می‌پندارند در اثر نیروی آن صورت‌ها و طبیعت‌ها تغییر می‌کند، پس انسان حمار می‌گردد و حقیقتی برای آن نزد محققین نیست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، صص ۴۰۱-۴۰۰؛ بندر ریگی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۷۱۶؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۴۸).
در «لسان العرب» آمده است: «سحر عملی است که در آن به شیطان نزدیک می‌شوند و به یاری او است و با سحر چشمان را می‌گیرند چنان‌که گمان می‌کند امر چنان است که می‌بیند ولی اصل و حقیقت بر آن چه می‌بیند نیست.» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۳۴۸).

۲-۲) ماهیت سحر و واقعیت داشتن آن

گرچه برخی از فقها تعریفی جامع از سحر را غیرممکن دانسته‌اند (نراقی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۱۱۴)؛ اما برخی دیگر، با تعاریفی مشابه، انجام کارهای خارق‌العاده با قدرت و تاثیرات نفسانی را سحر می‌دانند (فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۴۰۵)؛ بدین نحو که کلام یا رقیه یا عزائم و مانند آن در بدن یا قلب و یا عقل مسحور تأثیر گذارده، بدون این‌که ساحر خود مباشرتی داشته باشد، و این سحر می‌تواند موجب قتل، بیماری، جدایی زوجین، ایجاد کینه یا محبت بین فردی با فرد دیگر شود (علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۱۴۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۲۸؛ خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۲۹).

چنان‌که شهید ثانی در این خصوص می‌فرماید: «سحر کلام یا رقیه یا اقسام یا عزائم و مانند آن است که به سبب آن‌ها بر غیر ضرر وارد می‌شود.» (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۲۸). بر این مبنا شهید ثانی مفهوم سحر را با مقید ساختن آن به وارد نمودن ضرر مضیق نموده

است، و این قید خلاف تعاریف دیگر و حتی فهم عرف است، علاوه بر این که برخی از اقسام سحر مثل سحری که برای ابطال سحر صورت گرفته انجام می‌شود گرچه از مصادیق سحر به‌شمار می‌آید؛ ولی نه تنها ضرر نمی‌رساند؛ بلکه دارای منفعت است.

امام خمینی (ره) نیز در تعریف سحر این چنین بیان داشته‌اند: «مراد از سحر آن‌چه با نوشتن یا سخن گفتن یا دود نمودن یا با تصویر یا دمیدن یا گره زدن و ... انجام می‌گیرد که در بدن شخص سحر شده یا قلب وی یا عقل او اثر می‌گذارد؛ فلذا در احضار او یا خواب کردن یا بیهوش کردن یا به دوستی و یا دشمنی واداشتن او و مانند این امور اثر می‌گذارد و به خدمت گرفتن فرشتگان و حاضر کردن جن در اختیار گرفتن آن‌ها و احضار ارواح و در اختیار گرفتنشان و ... به سحر ملحق می‌شود.» (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۵۲۹).

اما در خصوص واقعیت داشتن یا خیالی بودن سحر، اختلاف نظر بین فقها دیده می‌شود؛ به‌نحوی که فقهای همچون شیخ طوسی (طوسی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۷۴)، فخرالمحققین (فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۴۰۷)، و خویی (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۴۲، ص ۸) قائل بر آنند که برای سحر حقیقتی وجود ندارد، بلکه سحر اراده غیرواقع به‌صورت واقع است. اما ادله ایشان بر این سخن، آیات ذیل می‌باشد:

«وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ؛ و آنان (ساحران) ضرر زننده به کسی نبودند، مگر به اذن خدا (بقره: ۱۰۲).

«قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصْبُهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَى؛ (موسی) گفت: بلکه شما بیندازید، پس هنگامی که (افکندند) ناگهان طناب‌ها و عصاهایشان در اثر سحرشان در نظر او (موسی) آمد که حرکت می‌کنند (طه: ۶۶).

«قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرٍ عَظِيمٍ؛ (موسی) گفت: بیاندازید، پس هنگامی که انداختند، چشمان مردم را سحر کردند و ترس و وحشتی در آنان پدید آوردند و سحری عظیم را به‌وجود آوردند (اعراف: ۱۱۶).

قائلین به این دیدگاه بدین نحو استدلال کرده‌اند که: اولاً، اگر برای سحر حقیقتی بود به آن ضرر ثابت می‌شد، حال آن‌که خداوند در آیه شریفه ۶۶ سوره طه بیان داشته که ساحران

ضرر زننده به کسی نبودند؛ ثانیاً، به استناد آیات شریفه با عمل ساحران صرفاً دیدگان مردم سحر شد و حرکت طناب‌ها و عصاها در نظر حضرت موسی آمد، نه این که واقعیت داشته باشد، در حقیقت امر غیرواقع را واقع تصور کردند؛ فلذا جز خیال، چیزی بیش نبود و از این رو برای سحر حقیقتی وجود ندارد (طوسی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۷۴؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۴۰۷؛ خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۴۲، ص ۸).

؛ اما در مقابل، برخی از فقها قائل به واقعیت داشتن سحر می‌باشند (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۸۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، صص ۷۵-۷۷؛ نجفی، بی‌تا، ج ۴۲، ص ۳۲). چنان که صاحب جواهر می‌فرماید: «برخی از اسحار تأثیر می‌گذارد و علاج می‌کند و اخبار وجود دارد که دلالت بر وقوع سحر از زمان پیامبر (ص) دارد، حتی گفته شده است که خود پیامبر (ص) سحر شد به گونه‌ای که خیال می‌کرد گویا کاری انجام داده است، در حالی که انجام نداده بود و در اینجا بود که معوذتین نازل شد.» (نجفی، بی‌تا، ج ۴۲، ص ۳۲). در این راستا یکی از فقهای معاصر نیز مترتب شدن حد قتل در سحر را با امر تخیلی سازگار ندانسته است (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱ق، ص ۴۴)؛ اما مستندات ایشان بر این امر به شرح ذیل است:

۲-۱-۲) قرآن کریم

«فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ»؛ مردم از آن دو ملک آنچه بین زن و شوهر جدایی می‌انداخت می‌آموختند، البته به کسی زیان نمی‌رسانند مگر به اذن الله (بقره: ۱۰۲).

قائلین به حقیقت داشتن سحر از طریق این آیه به دو وجه بر اثبات نظر خود احتجاج نموده‌اند: «وجه اول آن است که خداوند متعال در آیه شریفه آنان را بر آموختن آنچه به آن میان زوجین تفرقه می‌اندازند، مذمت کرده است، اگر برای سحر تأثیری نباشد، به چه دلیل مستحق مذمت واقع شدند؛ وجه دوم این که خداوند متعال تفریق بین زوجین را استناد به سحر داده است، زیرا باء در «مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ»، باء سببیت است؛ بنابراین برای سحر حقیقتی است که امری بدان استناد داده شده است.» (فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۴۰۶).

همچنین از دیدگاه قائلین به این امر اولاً، در آیه شریفه به نفی اضرار اشاره شده که آن

غیرلازم برای تأثیر است، پس نفی آن موجب نفی سحر نیست. ثانیاً، فعل به آلت از حیث فاعل بر قدرت و انگیزه و اراده و از حیث فعل بر امکانش، و از حیث آلت بر بودن آن صالح برای تأثیر، متوقف است. لذا نفی فعل به آلت، مستلزم نفی بودن آلت صالح برای تأثیر نیست؛ زیرا نفی مجموع مستلزم نفی جزء معین نیست. ثالثاً، همانا آن استثنا به قول خداوند متعال «إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ» شده است و استثنا از نفی، اثبات است. از این رو اگر اذن الهی باشد با سحر ضرر وارد می‌شود و این اثبات تأثیر سحر است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۷۷). بر این اساس، برخی از معاصرین سحر را امری خارق‌العاده ندانسته و می‌فرمایند: «راهی بر انکار ثبوت حقیقت سحر نیست و قول خداوند متعال که فرمود: «وَمَا هُمْ بِضَّارِينَ» منافات با حقیقت داشتن سحر ندارد؛ زیرا نفی اضرار از هر چیز مضری به استثنای اذن‌الله جایز است، بنابراین گفته می‌شود: سم جز به اذن‌الله ضرر زننده نیست؛ بنابراین دلالتی برای آیه بر عدم تأثیر آن حقیقتاً نیست، خصوصاً با وقوع آن بعد از کلام الهی که فرمود: «فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ» (بقره: ۱۰۲) که ظاهر در تأثیر سحر در تفرقه بین زوجین حقیقتاً است و اشتباه آن با معجزه چنان‌که استدلال کرده شیخ به آن دفع می‌شود، مضافاً به این که سحر امری خارق‌العاده نیست؛ زیرا علم خاص، علم به آن را موجب می‌شود و استفاده از آن بعض آثار تکوینی را محقق می‌سازد و علم به آن برای هر کسی که آن را آموزش ببیند، حاصل می‌شود، مثل علم طب که اختصاص به افرادی دارد که آن را آموزش ببینند و چه بسا مترتب می‌شود بر آن بعض آثار عجیبه خصوصاً در این زمان» (فاضل موحدی لنکرانی، ۱۴۲۱ق، صص ۴۳-۴۴).

۲-۲-۲ روایات

برخی از فقها بر حقیقت داشتن سحر به روایاتی اشاره داشته‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۸۲؛ نجفی، بی‌تا، ج ۴۲، ص ۳۲)؛ از جمله: امام صادق (ع) فرمودند: «السَّاحِرُ يُضْرَبُ بِالسِّيفِ ضَرْبَةً وَاحِدَةً عَلَى رَأْسِهِ؛ ساحر با شمشیر، با ضربه واحد بر سرش کشته می‌شود». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۶۰).

همچنین از پیامبر (ص) روایت شده است که فرمودند: «سَاحِرُ الْمُسْلِمِينَ يُقْتَلُ وَسَاحِرُ الْكُفَّارِ لَا يُقْتَلُ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَلَمْ لَا يُقْتَلُ سَاحِرُ الْكُفَّارِ قَالَ لِأَنَّ الْكُفْرَ أَكْثَمُ مِنَ السِّحْرِ وَلِأَنَّ السِّحْرَ وَالشِّرْكَ

مَقْرُونان؛ مسلمان ساحر کشته می‌شود و ساحر کافر کشته نمی‌شود. گفته شد یا رسول الله: چرا ساحر کافر کشته نمی‌شود؟ حضرت پاسخ دادند: زیرا کفر به خدا بزرگ‌تر از سحر است و زیرا سحر و شرک دو امر قرین هم (با هم) هستند». (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۶۰). صدوق نیز روایتی نقل می‌کند بدین بیان که: «أَنَّ تَوْبَةَ السَّاحِرِ أَنْ يَحْلَ وَلَا يَغْفِدَ؛ توبه ساحر آن است که سحرهای نموده را باز کند و عقد نکند و گره نزند» (ابن بابویه، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۴۶). براساس روایت مذکور توبه ساحر به این است که باز کند و نبندد. این امر نشان می‌دهد که برخی سحرها اثر گذاشته و در زندگی افراد گره می‌اندازد و نشان از واقعیت داشتن سحر دارد.

۲-۳) نقض ادله واقعیت نداشتن سحر

طرفداران حقیقت داشتن سحر به مستند قائلین به حقیقت نداشتن به آیه «وَمَا هُمْ بِضَارِينَ» اعتراض نموده‌اند؛ بدین صورت که: «نخست، در آیه شریفه به نفی اضرار اشاره شده که آن غیر لازم برای تأثیر است؛ فلذا نفی آن موجب نفی سحر نیست. دوم، فعل به آلت از حیث فاعل بر قدرت و انگیزه و اراده، و از حیث فعل بر امکانش، و از حیث آلت بر بودن آن صالح برای تأثیر، متوقف است؛ فلذا نفی فعل به آلت، مستلزم نفی بودن آلت صالح برای تأثیر نیست؛ زیرا نفی مجموع مستلزم نفی جزء معین نیست. سوم، همانا آن استثنا به قول خداوند متعال «إِلَّا يَأْذِنُ اللَّهُ» شده است و استثنا از نفی، اثبات است؛ بنابراین تقدیر این چنین می‌شود که اگر اذن الهی باشد با سحر ضرر وارد می‌شود و این اثبات تأثیر سحر است...» (فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۱، ص ۴۰۶؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۷۷).

فاضل لنکرانی می‌فرماید: «راهی بر انکار ثبوت حقیقت برای سحر فی الجمله به معنی تأثیر بعض اقسامش واقعاً نیست، و قول خداوند متعال که فرمود: «وَمَا هُمْ بِضَارِينَ» منافات با حقیقت داشتن سحر ندارد، زیرا نفی اضرار از هر چیز مضری به استثنای اذن الله جایز است، از این رو گفته می‌شود: سم جز به اذن الله ضرر زننده نیست؛ بنابراین دلالتی برای آیه بر عدم تأثیر آن حقیقتاً نیست، خصوصاً با وقوع آن بعد از کلام الهی که فرمود: «فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ» (بقره: ۱۰۲) که ظاهر در تأثیر سحر در تفرقه بین زوجین حقیقتاً است و اشتباه آن با معجزه چنان که استدلال کرده شیخ به آن دفع می‌شود، مضافاً به این که سحر امری خارق العاده

نیست؛ زیرا علم خاص، علم به آن را موجب می‌شود و استفاده از آن بعض آثار تکوینی را محقق می‌سازد و علم به آن برای هر کسی که آن را آموزش ببیند، حاصل می‌شود، مثل علم طب که اختصاص به افرادی دارد که آن را آموزش ببینند و چه بسا مترتب می‌شود بر آن بعض آثار عجیه خصوصاً در این زمان» (فاضل موحدی لنکرانی، ۱۴۲۱ق، صص ۴۳-۴۴).

۲-۳-۱) وجدانی و شایع بودن تأثیر سحر

برخی از فقها همچون صاحب جواهر و شهید ثانی معتقد است که: «تأثیر سحر امری وجدانی بوده و قدیمأ و جدیدأ شایع بین مردم است» (نجفی، بی‌تا، ج ۴۲، ص ۳۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۷۶).

نهایتاً آنچه از بررسی دو دیدگاه به نظر می‌رسد، سحر دارای حقیقت است؛ البته سحر مراتبی دارد: در یک مرتبه در چشم و خیال انسان تصرف می‌کند، به گونه‌ای که غیرواقع را واقع تصور می‌کند یا در انسان ایجاد ترس و هراس یا شوق می‌کند. در مرتبه دیگر تأثیر خارجی می‌گذارد (نجفی، بی‌تا، ج ۴۲، ص ۳۳). با لحاظ این امر که خیال نسبت به خارج، خیال است؛ اما در حد خودش حقیقت و واقعیت دارد. از نظر فلسفی تمام اوهام و افکار انسان که می‌گویند خیال است، اگر با خارج بسنجیم اوهام و خیال است؛ اما در حد خودش یک مرتبه‌ای از واقعیت را دارد. لذا سبحانی در این راستا می‌فرمایند: «سحر دارای مدرسه و اساتید است و سابقه هزاران سال دارد. چنان که غالب مصریان در زمان حضرت موسی، ساحر بوده و دارای مدرسه، شاگرد، برنامه و کتاب بودند. لذا یک چنین امری با این سابقه بدون حقیقت نمی‌تواند باشد؛ البته حقیقتی است که در اسلام حرام است، مگر آن که انسان در مواردی برای ابطال سحر بیاموزد» (سبحانی، ۱۳۹۰، درس خارج فقه، ۱۳۰۹/۰۳/۰۴).

۳) روش‌های نوین سحر

بعد از بازشناسی اندیشه فقها در باب ماهیت و واقعیت داشتن سحر، با بررسی ادوار تاریخی روشن می‌گردد که در هر دوره و عصری با پیشرفت علم و تکنولوژی و همچنین تغییر جوامع بشری و انسان‌ها از حیث افکار و آمال و ...، ساحران و جادوگران در راستای رسیدن به مقاصدشان از شیوه‌ها و روش‌های مختلفی بهره گرفته‌اند. در عصر حاضر نیز این موضوع به

چشم می‌خورد به گونه‌ای که با افعال و اقداماتی جدید و نوینی روبه‌رو می‌شویم که با تطبیق آن‌ها با مفهوم سحر، می‌توان بدین برآیند دست یافت که این افعال در شمار سحرهای نوین درمی‌آیند. در جهت تنویر اذهان به چند مورد از این روش‌ها اشاره می‌شود؛ البته با توجه به این که تعداد روش‌ها زیاد می‌باشد، با عنایت به رویکرد پژوهش که در راستای موضوع قتل است، بنابراین به بیان مواردی مبادرت می‌شود که امکان تأثیر در گرفتن جان افراد را داشته باشند.

۳-۱) بازی‌های رایانه‌ای و اینترنتی

مراد از بازی‌های رایانه‌ای که در شمار سحر قرار می‌گیرند، بازی‌هایی هستند که با انجام تصرفاتی در ذهن و تفکر افراد، آنان را به انجام اقداماتی و می‌دارند که منجر به آسیب و آزارهایی به خود بازی‌کننده می‌شوند تا جایی که ممکن است اقدام به خودکشی و گرفتن جان خود یا افراد دیگر نماید.

نمونه‌ای از این بازی‌ها بازی «نهنگ آبی» یا «چالش نهنگ آبی» است که طبق نظر برخی کارشناسان و متخصصان این بازی، در اصل حقه‌های ساختگی و اغراق شده است که موجب اختلالات افسردگی عمده می‌شود (ویکی‌پدیا، ۲۰۲۴).

دکتر خسروشاهی معتقدند «که بازی نهنگ آبی اساساً با هدف اقدام به خودکشی طراحی شده است؛... مدیران اجرایی این بازی به‌طور مستقیم با کاربر در ارتباط هستند و مرحله به مرحله به او دستورات و فرامینی می‌دهند که به خودکشی منجر می‌شود.» (ماه آور، ۱۳۹۶).

سازنده این بازی «فیلیپ بودکین» می‌گوید: «در جهت انتقام گرفتن از استادام این بازی را طراحی کردم و در اختیار فرزندش قرار دادم، بعد از ۶۰ روز او با انجام این بازی خود را روی ریل قطار انداخت و خودکشی کرد، هدف از پدید آوردن این بازی پاک کردن جامعه با فشار به کسانی است که گفته می‌شود هیچ ارزشی ندارند تا آنان را وادار به خودکشی کند.» (ویکی‌پدیا، ۲۰۲۴).

البته با توجه به این که اثبات خودکشی به سبب این بازی بسیار سخت است، علی‌رغم چندین گزارش از خودکشی بازیکن‌های این بازی، از انتساب خودکشی به این بازی امتناع کرده‌اند.

۲-۳ هیپنوتیزم

هیپنوتیزم در اصطلاح روانشناسی: «حالت روحی خاص، شبیه خواب آلودگی، القایی و ارادی است و در آن آگاهی شخص بر مطالبی که توسط هیپنوتیزم کننده به او ارائه می گردد، افزایش می یابد. در حالت هیپنوتیزم تلقین پذیری و قدرت تخیلات و تصویرسازی ذهن افزایش می یابد. با افزایش درجه هیپنوتیزم این ویژگی ها عمیق تر می شود. تلقین درمانی، هیپنوتراپی، حساسیت زدایی، از مصادیق بارز هیپنوتیزم هستند.» (اسدی وانانی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۲۵). هیپنوتیزم درجات مختلفی دارد، برخی محققان و علما شش درجه برای آن برشمرده اند. برخی از این درجات بدون شک سحر به شمار نمی آیند؛ زیرا مولفه های سحر بر آن ها منطبق نیست؛ با توجه به تعریف مشهوری که خویی نقل می کند که: «متبادر از سحر در کلمات فقها این است که یک امر غیر واقعی را به وسیله اسباب خفیه با فریب و ظاهر سازی و خدعه، واقعی جلوه دهند» (نوری، ۱۳۹۷، صص ۴۱-۴۲). به طور کلی سه مؤلفه برای سحر می توان برشمرد: ۱. واقعی جلوه دادن امر غیر واقعی؛ ۲. اسباب خفیه؛ ۳. مکر و خدعه. اگر تلقیناتی که در هیپنوتیزم داده می شود، غیر واقعی باشند و هیپنوتیزم کننده از اسباب خفیه نیز بهره گیرد و مکر و خدعه هم به کار گیرد، عنوان سحر بر عملش منطبق می شود.

لازم به ذکر است که علوم یا پدیده های دیگری وجود دارند که به هیپنوتیزم نزدیک بوده و شباهت هایی با آن دارند ولی متفاوت از آن هستند، مانند تله پاتی (پدیده ای روانی که در آن بین اذهان ارتباط برقرار می شود و شامل افکار، احساس ها، و حتی تصاویر ذهنی می شود (سهیلی فر، ۱۳۹۷))، مانیه تیزم (که با نام مسمریسم نیز شناخته می شود و بر این محور استوار است که در بدن هر شخص انرژی یا نیروی مغناطیسی وجود دارد که می توان از طریق آن افراد را تحت تاثیر قرار داد (ریکی، ۱۳۹۲))؛ برخی با سوء استفاده از این علوم، اهداف خود را عملی کرده و بر افراد تاثیر می گذارند، مولفه های سحر در برخی از موارد عملی این علوم نیز به طور بارز منطبق است، از این رو این موارد در صورت به اجرا درآمدن به شکل مذکور که منطبق با مولفه های سحر باشند، جزء سحر به شمار آمده و حکم آن را دارند.

یک نمونه عملی از گرفتن جان افراد از طریق روش های نوین که منطبق با مؤلفه های سحر می باشد را می توان اعدام به روش تلقین برشمرد که یک تارنمای عربی - شام تایمز - به

گزارش العالم به انتشار خبر از اجرای آن اقدام نموده است. در خبر آمده است: «پزشکی با راضی کردن خانواده فرد اعدامی و مجوز مقام‌های مسئول از طریق تلقین اعدام را اجرا کرد، بدین طریق که محکوم را روی تخت به صورت خوابانده بست و دو لوله بلند به بدنش وصل کرد، و بعد از تظاهر به زدن رگ فرد و وصل کردن لوله‌ها به بدنش، با جاری کردن آب ولرم مساوی با دمای بدن از درون لوله‌ها، فرد اعدامی تصور کرد خونسش به جریان افتاده و در حال تخلیه است و در ظرف نزدیک وی می‌ریزد که صدایش را می‌شنود. چند لحظه بعد جسم اعدامی رو به ضعف رفته و رنگش زرد شد و بعد ساعاتی وقتی ضربان وی را گرفتند او مرده بود». پزشکان معتقدند بر اثر تصویر ذهنی و تلقین نزدیک و حتمی مرگ، اعدامی بدون از دست دادن قطره‌ای خون جانش را از دست داد (تابناک، ۱۳۹۵).

۳-۳) قانون جذب یا راز

قانون جذب یا راز قانونی است که در دهه اخیر ظهور و بروز داشته که با عناوین دیگری همچون «تکنولوژی فکر» و «تجسم خلاق» نیز طرح شده است. تعاریف متعددی برای قانون مذکور نقل شده، مانند تعریفی که خانم راندا برن نقل نموده بدین بیان که: «تو همه چیز را به خود جذب می‌کنی؛ مردم، شغل، شرایط، زندگی، سلامتی و... را مثل آهنربا جذب می‌کنی؛ به هر چیز فکر کنی اتفاق می‌افتد. کل زندگی تو تجلی افکاری است که در ذهنت جریان دارد.» (شریفی دوست، ۱۴۰۰).

برخی از محققان شیعه بر آنند که: «قانون جذب اصالتاً ریشه در قانون جادوگری دارد؛ زیرا در جادو دو قانون طرح می‌شود: نخست، ترک عمل با عنوان جادوی خنثی، دوم، انجام عمل با عنوان جادوی مثبت؛ که این دو قانون در قانون جذب هم وجود دارد.» (شریفی دوست، ۱۴۰۰).

۳-۴) نصف کردن بدن انسان

نصف کردن بدن انسان اولین بار توسط «کریستفر نیکولاس سارانتاکوس» با نام هنری «کریس آنجل» انجام گرفت.

کریس آنجل یکی از شعبده‌بازها و جادوگران جهان است که با استفاده از شعبده‌بازی و جادوگری و سحر اقدام به نصف نمودن بدن انسان می‌نماید.

۳-۵) جادوی سیاه

در قرن چهاردهم میلادی برخی از مکاتب سحر و جادو را به دو بخش سفید و سیاه تقسیم نمودند؛ جادوی سفید را به سحر و جادوگری‌هایی اطلاق کردند که در جهت اهداف متعالی و انجام امور مطلوب و پسندیده به کار می‌رود. به عنوان نمونه به اسحاری که در جهت باطل نمودن طلسم‌هایی که موجب ورود ضرر به دیگران می‌شود جادوی سفید می‌گفتند. در مقابل جادوی سیاه را به استفاده از قدرت‌های مافوق طبیعی، سحر و جادوگری برای اهداف شیطانی، پلید و خودخواهانه مثل قتل، کلاهبرداری و ... اطلاق کردند؛ که در این نوع از جادو بیشتر از انواع طلسم‌ها و استفاده از اجساد و مواد مرده (گاهاً نفرت‌بار و کثیف) مثل خون، پوست، ادرار و ... و انرژی و افکار منفی استفاده می‌شود و با بهره‌گیری‌های سوء از رسومات مذهبی، کتب مقدس، غیب‌گویی و دیوشناسی مرتبط است (هاشمی، ۱۳۹۶؛ ویکی‌پدیا، ۲۰۲۴).

۴) قتل مسحور از دیدگاه مشهور فقها و مقدس اردبیلی

برای بررسی نظر مشهور فقهای امامیه و مقدس اردبیلی در مورد قتل با سحر - به روش‌های نوین -، تبیین امکان وقوع قتل با سحر، نوع قتل با سحر و مجازات آن، ادله اثبات قتل با سحر و رویکرد فقها در برخورد با این ادله ضروری به نظر می‌رسد:

۴-۱) امکان وقوع جنایت قتل با سحرهای جدید

بعد از بازشناسی مفهوم سحر و روش‌های نوین آن، آن‌چه مورد سوال قرار می‌گیرد آن است که آیا امکان وقوع قتل با این روش‌ها وجود دارد؛ در خصوص امکان وقوع قتل با سحر و خصوصاً سحرهای نوین، سه دیدگاه: ۱. نفی تأثیر مطلق ۲. تأثیر حقیقی و تکوینی ۳. تأثیر حقیقی به واسطه ایجاد وهم و خیال وجود دارد که براساس احتمال اول، امکان وقوع قتل با سحر اساساً وجود ندارد؛ اما بنابر احتمال دوم و سوم یعنی با احتمال وجود تأثیر حقیقی برای سحر چه به‌طور تکوینی و چه به‌صورت ایجاد وهم و خیال، وقوع قتل به واسطه آن امکان دارد. مشهور فقهای امامیه و همچنین مقدس اردبیلی برآنند که امکان وقوع قتل با سحر - به‌طور مطلق چه با روش‌های قدیمی و چه با روش‌های جدید و نوین همچون هیپنوتیزم در

در جاتی از آن یا بازی‌های رایانه‌ای، جادوی سیاه و ... - وجود دارد (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، صص ۷۵-۷۷؛ نجفی، بی‌تا، ج ۴۲، صص ۳۲-۳۳؛ مقدس اردبیلی، بی‌تا، ج ۱۴، صص ۱۶۸-۱۶۷)؛ اما فقهای منکر واقعیت سحر، امکان وقوع چنین قتلی را نپذیرفته‌اند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۷).

۴-۲) تعیین نوع قتل با سحرهای نوین و مجازات مرتکب آن

دومین سوال مطرح در این خصوص این است که قتل مذکور با سحرهای نوین، چه نوع قتلی می‌باشد؟ در پاسخ باید دانست که از نظر فقهی و حقوقی، جنایت بر سه قسم عمدی، شبه‌عمد و خطای محض تقسیم می‌شود، بدین نحو که:

الف- جنایت عمد: جانی قصد فعل و قصد جنایت را داشته باشد و عامد در فعل و قصد باشد یا قصد فعلی که غالباً منجر به ایجاد جنایت شود را نماید، هرچند قصد آن جنایت را نداشته باشد.

ب- جنایت شبه‌عمد: جانی صرفاً قصد فعل را دارد و عامد در فعل است، ولی قصد جنایت را ندارد.

ج- جنایت خطای محض: جانی هیچ یک از دو قصد، نه قصد فعل و نه قصد جنایت را ندارد و خطا در فعل و قصد می‌نماید.

اما مجازات قتل عمدی در صورت تقاضای ولی دم و وجود سایر شرایط مقرر، قصاص است، هرچند در صورت رضایت اولیای دم یا فقدان شرایط ثبوت قصاص، دیه جایگزین قصاص می‌شود و مجازات قتل شبه‌عمد و خطای محض، پرداخت دیه به اولیای دم است (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۲۸؛ جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۳ق، ج ۳۵، ص ۳۷۲؛ بیگزاده، صفر، ۱۳۹۸، صص ۹۱۹-۹۲۰).

در مورد قتل با سحرهای جدید، با عنایت به نوع فعل ساحر و قصد او، نوع قتل و مجازات آن متفاوت می‌باشد. مشهور فقهای امامیه و همچنین مقدس اردبیلی که قائل به امکان وقوع قتل با سحر هستند، برآنند که اگر ساحر به فعلی که غالباً کشنده است، اقدام به سحر مسحور نماید، بدون این که قصد قتل او را داشته باشد یا این که با فعلی که نادراً منجر به قتل می‌شود، اقدام به

سحر کند، ولی با این فعل قصد قتل مسحور را داشته باشد و مسحور به سبب آن جان خود را از دست بدهد، قتل عمد محسوب می‌گردد؛ در غیر این صورت قتل از نوع قتل شبه‌عمد یا خطای محض است (علامه حلی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۴۷۹؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، صص ۲۲-۲۳؛ خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۵۴۶؛ خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۶۰؛ خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۴۲، ص ۸؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۸، ص ۱۸۹).

بر این اساس، فاضل هندی می‌فرماید: «اگر بگوییم برای سحر حقیقت است - چنان که گفته شده است - اگر ساحر قصد قتل مسحور را با سحر نمودن آن کرده باشد یا سحرش غالباً موجب کشته شدن مسحور شود، این قتل عمد است.» (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، صص ۲۲-۲۳).

محقق سبزواری بیان داشته: «اگر سحر کند او را با چیزی و مسحور بمیرد و ساحر عالم به آن و فعلش باشد، به سبب این که مقتول را کشته است، پس در آن قصاص ثابت می‌شود؛ زیرا با فرض استناد قتل مقتول به فعل ساحر با علمش به آن، موضوع قصاص قهراً محقق می‌شود و الا پس در آن دیه ثابت می‌شود؛ زیرا این قتل در این هنگام شبه‌عمد است و فرقی نیست بین این که برای سحر حقیقتی باشد یا نباشد؛ زیرا به سبب فرض ترتب اثر بر سحر وجداناً، کلام در حقیقت داشتن یا نداشتن آن در مقام مطلقاً ساقط می‌گردد.» (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۸، ص ۱۸۹).

امام خمینی (ره) بیان می‌دارد: «اگر ساحر مقتول را سحر نماید و وی کشته شود و علم حاصل گردد که سبب قتل مقتول سحر ساحر بوده است، اگر ساحر با اقدام خود اراده قتل مقتول را نموده باشد، این نوع قتل، قتل عمدی است، یا اگر مثل این سحر نوعاً موجب قتل شود، هر چند ساحر به آن قصد قتل نکرده باشد، این نوع قتل، قتل عمدی است و در غیر این صورت اگر چنین اراده‌ای نکرده باشد و سحر نوعاً منجر به قتل نشود، این قتل شبه‌عمد است، بدون فرق بین این امر که برای سحر واقعیت وجود داشته باشد یا واقعیتی نداشته باشد.» (خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۵۴۶).

خویی گرچه قائل بر آن است که برای سحر حقیقت موضوعیه وجود ندارد، بلکه آن اراده غیرواقع به صورت واقع است، ولیکن با این وجود معتقد است: «اگر ساحر سحر کند، شخصی را به آن چه که غالباً مرگ بر آن مترتب می‌شود یا این که قصد قتل با عمل خود بکند،

چنان‌که اگر سحر کند شخص را و مسحور این‌طور ببیند که شیری بر او حمله می‌کند؛ فلذا از خوف و ترس بمیرد، بر ساحر قصاص است.» (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۶۰).
اما قائلین به واقعیت نداشتن سحر بر این باورند که ساحر به سبب اقدام خود از باب حد، قصاص می‌شود (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۸). فخرالمحققین با تفصیلی در این خصوص بیان داشته است که «در صورت مؤثر و حقیقی بودن سحر، ساحر از باب قصاص و در غیر این صورت از باب حد کشته می‌شود.» (فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۵۶۲).

۴-۳) ادله اثبات قتل با سحر

از نظر فقها ادله اثبات جنایت به‌طور کلی یکی از چهار دلیل اقرار، شهادت بینة، قسامه و علم قاضی است؛ که از میان این ادله در خصوص اثبات قتل با سحرهای نوین به اقرار ساحر و شهادت بینة به مرگ مسحور به سحر ساحر استناد و اشاره شده است.

۳-۳-۱. اقرار ساحر به قتل مسحور

مشهور فقها با توجه به قاعده «إقرار العقلاء على أنفسهم جائز» و اطلاق ادله، بر این عقیده‌اند که اقرار ساحر به قتل مسحور، به‌نحوی که بگوید، سحرش غالباً منجر به قتل عمد می‌گردد یا این‌که قصد قتل او را داشته است، قتل عمد به تسبیب محسوب و قصاص می‌گردد؛ اما اگر بگوید که سحرش غالباً کشنده نیست و قصد قتل او را نداشته است، قتل شبه‌عمد محسوب می‌گردد و اگر گوید: از نام دیگری به اسم او خطا کرده، قتل خطای محض بوده و در این صورت به واسطه اقرارش چیزی بر عاقله لازم نمی‌آید، بلکه دیه در مالش واجب است (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۱۸۲؛ علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، صص ۴۲۴-۴۲۵؛ مقدس اردبیلی، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۳۸۵؛ شهید اول، ۱۴۳۰ق، ج ۴، ص ۲۲۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۷۷؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۲، ص ۲۳۳).

شهید ثانی در این خصوص بیان داشته است: «اقوی عملاً با اقرارش ثبوت قتل مسحور است. حال اگر بگوید که سحرش غالباً منجر به قتل عمد می‌شود، اقرار به قتل عمد نموده است و اگر بگوید به‌طور نادر منجر به قتل می‌شود، از او در مورد قصدش سوال می‌شود؛ اگر بیان داشت که قصد قتل او را داشته است، باز اقدام وی قتل عمد است و الا شبه‌عمد است و اگر

بگوید: خطا کردم از نام غیر او به اسم او، پس اقرار به خطای محض است؛ فلذا لازم می‌آید او را حکم نمود به آن‌چه بدان اقرار نموده است. ولیکن در صورت خطا به واسطه اقرارش چیزی بر عاقله لازم نمی‌آید، بلکه دیه در مالش واجب است. بله اگر عاقله وی را تصدیق کنند، آنان را به اقرارشان می‌گیریم.» (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۷۷).

مقدس اردبیلی می‌فرماید: «اگر ساحر اقرار به قتل مسحور با سحرش کند، اگر شرایط اقرار وی فراهم باشد، اقرارش قبول می‌شود و به مفاد اقرارش ملزم می‌گردد؛ فلذا قاتل عمد به سبب نه به مباشرت به شمار می‌آید و ظاهراً این امر اعم از آن است که برای سحر حقیقت و واقعیتی وجود داشته باشد یا واقعیتی برای آن نباشد.» (مقدس اردبیلی، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۳۸۵). نجفی (صاحب جواهر) نیز به این اتفاق نظر فقها در این امر اشاره می‌کند و می‌فرماید: «ظاهر عبارت فقها در خصوص اقرار ساحر به قتل مقتول با سحر، اتفاق نظر آنان بر ضمان ساحر است؛ البته با اعتقاد به مؤثر بودن سحر، ولو با اقرار ساحر علم به حصول اثر حاصل گردد.» (نجفی، بی‌تا، ج ۴۲، ص ۳۵).

در مقابل شیخ طوسی، در «خلاف» این اقرار ساحر به این که شخصی را سحر نمودم و با سحر معتمداً او را به قتل رساندم، را از باب حد افساد فی الارض، مستحق کشتن می‌داند. لذا از دید ایشان قصاص به دلیل اصل برائت الذمه و قتل بدون مباشرت واجب نمی‌باشد (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، صص ۳۳۰-۳۳۱). البته ایشان در کتاب «مبسوط»، وجوب حد را منوط به تکرار قتل از طریق سحر نموده است؛ گرچه به نظر مذهب امامیه نیز مبنی بر حکم به قصاص ساحر از باب قتل عمد و پرداخت دیه از باب قتل شبه‌عمد و خطای محض اشاره کرده است (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۷، صص ۲۶۰-۲۶۱).

نجفی (صاحب جواهر) نیز معتقد است که آن‌چه در اخبار آمده که ساحر کشته می‌شود از باب حد افساد فی الارض است نه قصاص؛ چون در روایات تصریحی به قتل ساحر از باب قصاص نشده است و ظاهر اخبار قتل از باب سحر است؛ هرچند که با آن احدى را به قتل نرساند (نجفی، بی‌تا، ج ۴۲، ص ۳۵). البته صاحب جواهر در فرض اقرار خود ساحر با فرض حصول شناخت، قاتل بر ضمان می‌باشد و می‌فرماید: «اگر ساحر بگوید که او را به دعایم یا

سحرم و مانند آن کشتم، به دلیل عدم شناخت آن، اصل برائت از ضمان به آن است و بر فرض شناخت آن، قول به ضمان خالی از وجه نیست، بلکه قصاص ثابت می‌گردد.» (نجفی، بی‌تا، ج ۴۲، ص ۳۵).

با توجه به آن‌چه فقها به آن اشاره داشته‌اند، باید گفت که اگر برای سحر قائل به تأثیر باشیم، ساحر به قاعده اقرار به اقرارش ملزم می‌شود و برحسب نوع فعل و قصدی که بدان اقرار نموده به مجازات عمل خود یعنی قتل مسحور از هر نوعش که باشد، قتل عمد، شبه‌عمد و خطای محض از قصاص و دیه محکوم می‌گردد. ولی اگر برای سحر قائل به تأثیر نباشیم، مجازاتی از نوع قصاص و دیه از جهت قتل بر او مترتب نمی‌شود؛ بلکه ساحر از باب حد قصاص می‌گردد؛ چراکه اقرارش در این صورت شرایط پذیرش را دارا نبوده و نافذ نخواهد بود؛ چنان‌که برخی از فقها برای جریان قاعده اقرار در این صورت جایگاهی قائل نبوده و معتقدند که به دلیل علم به کذب بودن و بطلان اقرارش، قاعده اقرار شامل این اقرار نمی‌شود، چه آن‌که قرار دادن عقلا در موضوع قاعده، مستلزم لزوم مراعات عقلانی بودن اقرار است؛ بنابراین، اقرار عقلا وقتی غیرعقلانی باشد، نافذ نیست (حسینی عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۲، ص ۲۳۳؛ مشکینی اردبیلی، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۱۷).

۴-۳-۱) شهادت بینة بر قتل مسحور

در خصوص دومین دلیل اثبات قتل یعنی شهادت بینة بدین شرح که اگر بینة - دو شاهد عادل - شهادت دهند که مقتول با سحر ساحر به قتل رسیده است، در پذیرش این شهادت، اختلاف دیدگاهی بین فقها به شرح ذیل دیده می‌شود:

۱-۳-۱-۱) قول اول: قول مشهور فقها و مستندات ایشان

مشهور فقهای امامیه بر این باورند که قتل با سحر ساحر با شهادت بینة اثبات نمی‌شود و شهادت بر قتل مقتول با سحر مورد پذیرش واقع نمی‌گردد (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۶۱۳؛ شهید اول، ۱۴۳۰ق، ج ۴، ص ۳۰۷؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۷۷؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۶۰۶؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۱۱۶؛ نجفی، بی‌تا، ج ۴۲، ص ۳۴؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۲، ص ۲۳۳). البته برخی از فقها همچون علامه حلی و فاضل هندی بدین

امر تصریح کرده‌اند که ظهور ادله بر پذیرش شهادت بینة بر «اقرار» ساحر به قتل مسحور با سحر خود دلالت دارد؛ به بیان دیگر اگر بینة شهادت بر اقرار ساحر به چنین قتلی دهند، شهادتشان شنیده می‌شود (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۶۱۳؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۱۱۶؛ انصاری، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۵۴۷).

مستندات قول مشهور بر عدم پذیرش و شنیده نشدن شهادت بینة بر قتل مسحور به سحر ساحر به شرح ذیل است:

۱. غیر مرئی بودن سحر و تأثیر آن

برخی از قائلین به عدم پذیرش شهادت بینة در فرض مطروحه، دلیل بر عدم پذیرش را عدم رویت قتل مقتول به واسطه سحر و غیر مرئی بودن آن و عدم مشاهده تأثیرش بیان کرده‌اند (علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۴۷۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۶۱۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۷۷). حتی صاحب جواهر با وجود اثر سحر توسط افراد ثقه و عالم به امور سحر، پذیرش این شهادت را قابل مناقشه می‌داند (نجفی، بی‌تا، ج ۴۲، ص ۳۴).

۲. عدم حصول علم به قتل

برخی از فقها معتقدند که با این شهادت، علم به این امر که قتل مقتول با سحر ساحر بوده است، حاصل نمی‌گردد، پس امکان پذیرش و قبول چنین بینة‌ای وجود ندارد. فاضل هندی در شرح مستند علامه در عدم پذیرش شهادت بینة به سبب غیر مرئی بودن این قتل، معتقد است که: «حتی با فرض دیدن و شنیدن و حصول علم و ظن به وقوع سحر از این طریق، باز شهادت بینة قبول نمی‌گردد؛ زیرا چنین علمی، موجب علم به قتل مقتول به سحر واقع شده نمی‌گردد.» (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۱، ص ۱۱۶).

۳. عدم وجود عنصر معنوی (قصد) در قتل

شهید ثانی بر عدم پذیرش شهادت بینة علاوه بر استدلال نمودن بر شاهد تأثیر سحر نبودن بینة و عدم رویت آن، این گونه دلیل می‌آورد که: «در فرضی که ساحر شخصی را با سحر خود به قتل برساند، طریقی به شناخت این قتل با شهادت بینة وجود ندارد؛ زیرا راهی برای شناخت

قصد قاتل ساحر برای بینه در این نوع قتل وجود ندارد و بینه، شاهد تأثیر سحر نمی‌باشند؛ لذا این نوع قتل فقط با اقرار ساحر ثابت می‌شود.» (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۷۷).
البته برخی به این مسئله اشکال وارد کرده‌اند بدین دلیل که به واسطه قرائن و شواهد محسوس، علم به قصد و اراده ساحر بر انجام عمل حاصل می‌گردد (مشکینی اردبیلی، [سال؟]، ج ۲، ص ۴۱۸).

۴. عدم امکان اثبات سحر با طریق مبحوئه

صاحب جواهر اساساً امکان اثبات سحر با شهادت را مورد مناقشه دانسته است بدین بیان که: «در امکان اثبات سحر با بینه، با دیدن عمل سحری که اثرش مشاهده می‌شود، توسط افراد ثقه‌ای که سحر را می‌شناسند، مناقشه است؛ بنابراین با این وجود احتیاجی دیگر به شناخت قصد ساحر و استفسارش یا به غیر از آن از آن چه که ذکر شد نیست.» (نجفی، بی‌تا، ج ۴۲، ص ۳۴).

۲-۳-۴) قول دوم: مقدس اردبیلی و مستند ایشان

مقدس اردبیلی در عدم پذیرش شهادت بینه بر قتل مسحور به سحر ساحر، قائل به «تأمل» در این مسئله شده است (مقدس اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۱۶۷). به نظر می‌رسد که مقدس اردبیلی با توجه به تأمل وارده و استدلالی که ذکر می‌نماید، نظر به پذیرش شهادت بینه بر قتل مسحور به سحر ساحر دارد؛ از آن رو که می‌فرماید: «علم به وسیله قرائن به دست می‌آید، اگر ساحر در مقابل مقتول چیزی قرائت کند و او بمیرد، یا رفتار و عملی مثل این مورد را انجام دهد - و او بمیرد - به تحقیق علم به این که مقتول به واسطه سحر و به سبب آن مرده است حاصل می‌گردد، چنان که علم به غیر آن حاصل می‌شود.» (مقدس اردبیلی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۱۶۷).

به نظر می‌رسد که دیدگاه مقدس اردبیلی در مقابل مشهور فقها در جهت پذیرش شهادت بینه بر قتل مقتول به سحر ساحر، قابل پذیرش و مناسب‌تر باشد؛ یعنی با حصول علم برای بینه بر مورد شهادت با وجود سایر شرایط، شهادتشان شنیده می‌شود؛ زیرا خصوصاً در سحر با روش‌های نوین، حصول علم برای بینه متوقف بر صرف دیدن تأثیر سحر یا مشاهده قصد ساحر نیست، چه آن که علم از طرق مختلف و راه‌های متعددی حاصل می‌گردد و اساساً قصد قتل

داشتن قاتل، امری درونی است که در خصوص انواع مختلف قتل، شناخته شدن آن برای بینة، با نگاه عرفی به نوع عملکرد قاتل و فعل او حاصل می‌گردد. به بیانی دیگر وقتی شاهدان مشاهده می‌کنند که فرضاً فردی که مورد هیپنوتیزم هیپنوتیزور قرار گرفته یا توسط ساحر بدنش نصف گردیده و بلافاصله بعد از این واقعه جان خود را از دست می‌دهد، بدون این که عامل دیگری در اخذ جان او نقش داشته باشد، شهادتشان بر این امر می‌تواند به دیدگاه مقدس اردبیلی مثبت قتل با این روش‌های جدید سحر باشد.

۵) نتیجه‌گیری

برآیند حاصله از این پژوهش به شرح ذیل است:

- سحر عمل یا اعمال خارق‌العاده با قدرت و تأثیرات نفسانی است که سببش پنهان است.
- سحر از پدیده‌هایی است که در تمام ادوار وجود داشته و با پیشرفت جوامع بشری به روش‌ها و شیوه‌های مختلفی به اجرا درآمده و تأثیراتی را بر روان و زندگی اشخاص به جا گذاشته که حتی دربرگیرنده جان آنان نیز بوده است.
- امروزه برخی بازی‌های رایانه‌ای و اینترنتی، برخی درجات هیپنوتیزم، مانیه‌تیزم، تله‌پاتی، ان‌ال‌پی، قانون جذب، نصف کردن بدن انسان، جادوی سیاه و... منطبق با مفهوم سحر و مؤلفه‌های سه‌گانه آن که عبارتند از: واقعی جلوه دادن امر غیرواقعی، استفاده از اسباب خفیه و بهره‌گیری از مکر و خدعه هستند، از این رو این امور را می‌توان روش‌های جدید و نوین سحر برشمرد.
- مشهور فقها و همچنین مقدس اردبیلی قائل به حقیقت داشتن سحر و داشتن تأثیر برای آن شده‌اند، و از این رو امکان وقوع قتل با سحر به‌طور مطلق یعنی چه با سحر به روش‌های قدیمی و چه با سحر به روش‌های جدید از جمله بازی‌های رایانه‌ای، برخی از درجات هیپنوتیزم، جادوی سیاه و... را پذیرفته‌اند؛ اما برخی از فقهای امامیه مثل شیخ طوسی، نظر به حقیقت نداشتن سحر و عدم تأثیر حقیقی و تخیلی برای آن داده‌اند و از این رو، وقوع قتل و جنایت به سحر

را مطلقاً حتی با وجود اقرار ساحر به قتل، غیرممکن دانسته‌اند. بر این اساس حتی با وقوع چنین جنایتی و اقرار ساحر به قتل مسحور با سحر خود، به اصل برائت ذمه، قائل بر وجوب قصاص از باب جنایت یا پرداخت دیه بر او نبوده، بلکه کشتن ساحر را که در اخبار بدان اشاره شده است، از باب حد افساد فی الارض واجب دانسته‌اند.

- مقدس اردبیلی همراه با مشهور فقها که نظر به امکان وقوع قتل با سحر داده‌اند، بر این باور هستند که در صورت اقرار ساحر به قتل مسحور با سحر خود با عملی غالباً کشنده یا با وجود قصد قتل او، با استناد به قاعده اقرار و اطلاق ادله، قتل مسحور، قتل عمد به تسبیب محسوب شده و ساحر مستحق قصاص با وجود سایر شرایط قصاص می‌باشد؛ در غیر این صورت، قتل شبه‌عمد یا خطای محض به‌شمار آمده و ساحر به پرداخت دیه محکوم می‌شود و اگر قتل خطای محض باشد به پرداخت دیه از مال خود محکوم می‌گردد، مگر عاقله وی را تصدیق نمایند که در این صورت دیه از آنان اخذ خواهد شد.

- در صورت شهادت بینة بر قتل مقتول به سحر ساحر، مشهور فقها قائل به عدم پذیرش شهادت بینة بر چنین قتلی به جهاتی از جمله: عدم رویت سحر و تأثیر آن، عدم تحصیل علم به آن و عدم احراز قصد ساحر به قتل می‌باشند. حال آن‌که مقدس اردبیلی در نظر مشهور به سبب امکان حصول علم به این امر به وسیله قرائن قائل بر تأمل شده است و شهادت بینة را با فرض سایر شرایط نافذ می‌داند.

- تأمل مقدس اردبیلی در پذیرش شهادت بینة بر قتل مسحور به سحر ساحر با استدلال مذکور و لحاظ عرف به نظر تأمل مورد قبولی بوده، از این رو از میان ادله اثبات قتل به نظر می‌رسد که هر دو دلیل اقرار ساحر و شهادت بینة با وجود سایر شرایط، مورد پذیرش قرار می‌گیرند و قتل مسحور به سحر ساحر، با هر یک از آن دو امکان اثبات دارد.

- با عنایت به استدلال مقدس اردبیلی در پذیرش شهادت بینة و ادله مشهور بر عدم پذیرش آن در مسئله مطروحه، به نظر می رسد که علاوه بر اقرار و شهادت بینة، با قسامه و علم قاضی نیز امکان اثبات قتل مسحور به سحر ساحر خصوصاً از طریق سحرهای جدید وجود دارد؛ البته در صورتی که دلیل و اماره‌ای که از انتساب مرگ مسحور به سحر ساحر پرده برمی دارد و حکایت از قصد ساحر در قتل مقتول با سحرش می کند وجود داشته باشد تا از این طریق علم به وقوع قتل با سحر برای قاضی تحقق یابد یا با ایجاد ظن و تحقق لوث مقدمه‌ای برای اجرای قسامه شود.

در خصوص اثبات قتل با سحرهای نوین، در کنار دو راه اصلی اثبات کننده قتل، یعنی اقرار ساحر و شهادت بینة، شاید بتوان با پیشرفت علم در عصر جدید، با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین از جمله هوش مصنوعی، استفاده از کالبدشکافی مغزی مسحور و ... در کنار اخذ دیدگاه متخصصان و روان‌شناسان در خصوص حالات روانی مسحور فوت شده قبل از وفات و نوع مردن وی با بررسی اقدامات ساحر خصوصاً عملکرد وی بر مسحور مقتول و پیشینه اقدامات ساحر و وجود موارد مشابه را به عنوان راهکاری در جهت رسیدن قاضی به علم یا تحقق لوث و به تبع آن استفاده از قسامه در جهت اثبات قتل برشمرد، و از این طریق، علم قاضی و قسامه را نیز از راه‌های اثبات چنین قتلی به شمار آورد.

با توجه به این که اساساً سحر و خصوصاً سحرهای نوین با تأثیر بر افکار و روان افراد بر روی آنان تأثیر گذاشته و ابتدائاً موجب ایجاد اختلالات روانی شده به گونه‌ای که افراد مسحور اقدام به خودآزاری و حتی خودکشی می نمایند یا بالاتر از آن با تلقیناتی بر افراد و تغییر روان آنان اقدام به کشتن آنان می کنند. شاید بتوان گفت بهترین راهکارها برای مقابله با این نوع قتل، عبارتند از:

۱. رشد روانی و فکری افراد از جمله رشد حس مثبت‌نگری، اعتماد به نفس و ... و حل مشکلات روانی و روحی افراد.

۲. رشد و توسعه باورهای معنوی مردم یا به بیان دیگر بعد دینی و الهی آنان، تا از یک سو به ساحران مراجعه نکرده و از سوی دیگر تحت تأثیر آنان و اسحارشان قرار نگیرند.

۳. اطلاع‌رسانی جوامع بشری از سحرهای نوین و تأثیرات آن بر زندگی و روان افراد.
۴. اقدامات تأمینی در راستای ریشه‌یابی علل مراجعه افراد به سحر و تلاش در ارائه راهکارهایی در جهت رفع آن.
۵. مقابله با عاملان سحر و جمع‌آوری ابزارهای آموزشی و آلات و وسایل مورد استفاده آن در اقدامات مجرمانه.
۶. وضع قوانین مستقل جزایی بر اقدامات تبه‌کارانه و مجرمانه ساحران و محاکمه و مجازات آنان در بستر قانون با مجازات‌های بازدارنده و اطلاع‌رسانی مردم از این قوانین، محاکمات و اجرای مجازات.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق). (بی‌تا). علل الشرائع. قم: مکتبه‌الداوری.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
۴. ابوصلاح حلبی، تقی بن نجم. (بی‌تا). الکافی فی الفقه (به تحقیق رضا استادی). اصفهان: مکتبه‌الامام امیرالمؤمنین العامه.
۵. اسدی و انانی، سیدرضا؛ محسنی دهکلانی، محمد؛ ابراهیمی، سعید و سلطانی، عباسعلی. (۱۳۹۸). تبیین فقهی اباحه پدیده نوظهور هیپنوتیزم. مجله فقه پزشکی، ۱۱ (۳۸ و ۳۹)، ۲۱-۳۱.
۶. انصاری، محمد بن شجاع. (۱۳۸۱). معالم الدین فی فقه آل یاسین. قم: مؤسسه امام صادق.
۷. برترین‌ها. (۱۳۹۴). «ان ال پی» راه کوتاه رسیدن به موفقیت؟
<https://www.bartarinha.ir/%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D8%B3%D8%A8%DA%A9-%D8%B2%D9%86%D8%AF%DA%AF%DB%8C-3/242557-%D8%A7%D9%86-%D8%A7%D9%84-%D9%BE%DB%8C-%D8%B1%D8%A7%D9%87-%DA%A9%D9%88%D8%AA%D8%A7%D9%87-%D8%B1%D8%B3%DB%8C%D8%AF%D9%86-%D8%A8%D9%87>
۸. بندر ریگی، محمد. (۱۳۸۶). المنجد. قم: انتشارات اسلامی.
۹. بیگزاده، صفر. (۱۳۹۸). مجموعه قوانین صبا. ج ۴۹. بی‌جا: کلک صبا.
۱۰. تابناک. (۱۳۹۵). عجیب‌ترین روش اعدام؛ مرگ با تلقین ذهنی.
<https://www.tabnak.ir/fa/news/617695/>

۱۱. جمعی از پژوهشگران. (۱۴۲۳ق). موسوعة الفقه الإسلامی. قم: موسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
۱۲. حسینی عاملی، محمدجواد بن محمد. (۱۴۱۹ق). مفتاح الکرامة فی شرح قواعد العلامة. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۳. خالقی، ابوالفتح و سیفی، داوود. (۱۳۹۲). رویکرد نظام کیفری اسلام به جرم سحر. مجله فقه اهل بیت، ۱۹ (۷۳).
۱۴. خمینی، روح الله (امام). (۱۳۹۲). تحریر الوسیلة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۵. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۰ق). منهاج الصالحین. قم: مدینه العلم - الخوئی.
۱۶. خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۸ق). موسوعة الإمام الخوئی. قم: مؤسسه إحياء آثار الامام الخوئی.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. ج ۱. بیروت: بی نا.
۱۸. ریگی، آرام. (۱۳۹۲). هیپنوتیزم و مانیه تیزم چیست؟.
۱۹. الزیلعی، فخرالدین. (۱۰۰۹ق). تبیین الحقائق. بیروت: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. سالار دیلمی، حمزه بن عبدالعزیز. (۱۴۰۴ق). المراسم فی الفقه الامامی (به تحقیق محمود بستان). قم: منشورات الحرمین.
۲۱. سبحانی، جعفر. (۱۳۹۰، ۰۳، ۰۴). درس خارج فقه (کتاب حدود و تعزیرات): حکم جایی که به وسیله سحر کسی را بکشد. قابل بازیابی در: www.eshia.ir.
۲۲. سنجرپور، علی. (۱۳۹۵). بررسی سحر و جادو با نگاهی به لایحه پیشنهادی قانون مجازات اسلامی. مقاله ارائه شده در کنفرانس بین المللی نوآوری و تحقیق در علوم انسانی مدیریت و معارف اسلامی، قم.
۲۳. سهیلی فر، نهال. (۱۳۹۷). تله پاتی چیست؟. <https://digiro.ir/telepathy>.
۲۴. شریفی دوست، حمزه. (۱۴۰۰). نشست علمی- تخصصی قانون جذب (راز) از منظر آیات و روایات. <https://tasnim.iau.ir/fa/news/137>.
۲۵. شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۳۰ق). موسوعة الشهيد الأول. قم: مرکز علوم و الثقافة الاسلامیه.
۲۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی. (۱۴۱۳ق). مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الإمامیه. تهران: مکتبه المرتضویه.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). الخلاف. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۲۹. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام. ج ۴. تهران: بی نا.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۳ق). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۱. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۳۷۴). مختلف الشیعة فی أحکام الشریعة. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۳۲. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ق). قواعد الأحکام. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.

۳۳. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴ق). تذکرة الفقهاء. قم: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث.
۳۴. علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۲۰ق). تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية. قم: مؤسسة الإمام الصادق (ع).
۳۵. فاضل لنکرانی، محمد. (۱۴۲۱ق). تفصيل الشريعة (القصاص). قم: مركز فقه الأئمة الأطهار.
۳۶. فاضل هندی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ق). كشف اللثام عن قواعد الأحكام. قم: مؤسسة نشر إسلامی.
۳۷. فخرالمحققین، محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). إيضاح الفوائد في شرح إشكالات القواعد. قم: اسماعیلیان.
۳۸. فخلعی، محمدتقی و نصیری، هدیه. (۱۴۰۰). نقش هیپنوتیزم در شکل گیری اعمال مجرمانه و بررسی ابعاد فقهی و حقوقی آن. مجله فقه پزشکی، ۱۳ (۴۳)، ۱-۲۲.
۳۹. کاهدی، شهربانو و دیگران. (۱۳۹۶). سحر و شعبده در فقه با تاکید بر مصادیق نوظهور. پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، ۱۳ (۴۸)، ۱۲۳-۱۴۲.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی (ط- الإسلامية). ج ۴. تهران: بی نا.
۴۱. ماه‌آور، مهسا. (۱۳۹۶). مرگ تانینگ؛ هر دو آبی رنگ. مجله حقوقی دانشگاه اصفهان.
۴۲. محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام. قم: اسماعیلیان.
۴۳. مشکینی اردبیلی، علی. (بی تا). تعلیقة الاستدلالية على شرائع الإسلام. تهران: دارالحدیث.
۴۴. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد. (بی تا). مجمع الفائدة والبرهان في شرح إرشاد الأذهان. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.
۴۵. موسوی سبزواری، عبدالاعلی. (۱۴۱۳ق). مهذب الأحكام في بيان الحلال والحرام. قم: سيد عبدالاعلی السبزواری.
۴۶. نجفی، محمدحسن بن باقر. (بی تا). جواهر الكلام. بيروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۷. نراقی، احمد بن محمد مهدی. (۱۴۱۵ق). مستند الشيعة في أحكام الشريعة. قم: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث.
۴۸. نوری، عباس. (۱۳۹۷). هیپنوتیزم درمانی در فقه امامیه. نشریه فقه و اجتهاد، (۹)، ۳۷-۷۴.
۴۹. وجدانی فخر، قدرت‌الله. (۱۳۸۴). الجواهر الفخریه فی شرح الروضة البهیة. قم: تبيان.
۵۰. ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد. (۲۰۲۴). بازی نهنگ آبی.
۵۱. ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد. (۲۰۲۴). برنامه ریزی عصبی زبانی.
۵۲. ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد. (۲۰۲۴). جادوی سیاه.
۵۳. هاشملو، جعفر. (۱۳۹۶). انواع جادو. <https://jafarhashemlou.blogfa.com/post/1143>

1. Abū Ṣalāḥ Ḥalabī, Taqī ibn Najm. (n.d.). *Al-Kāfī fī al-fiqh* [The sufficient in jurisprudence] (Edited by Riḍā Ustādī). Maktabat al-Imām Amīr al-Mu'minīn al-ʿĀmmah.
2. Al-Zaylaʿī, Fakhr al-Dīn. (1600). *Tabyīn al-ḥaqāʾiq* [Clarification of truths]. Dār al-Kutub al-Islāmīyah.
3. Allāmah Ḥillī, Ḥasan ibn Yūsuf. (1993). *Qawāʾid al-aḥkām* [Principles of rulings]. Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī.
4. Allāmah Ḥillī, Ḥasan ibn Yūsuf. (1994). *Tadhkirat al-fuqahāʾ* [Reminder for jurists]. Mu'assasat Āl al-Bayt li-Iḥyāʾ al-Turāth.
5. Allāmah Ḥillī, Ḥasan ibn Yūsuf. (1995). *Mukhtalaḥ al-Shīʿah fī aḥkām al-sharīʿah* [Differences among the Shi'a in legal rulings]. Mu'assasat Nashr Islāmī.
6. Allāmah Ḥillī, Ḥasan ibn Yūsuf. (1999). *Tahrīr al-aḥkām al-sharʿīyah ʿalā madhhab al-imāmīyah* [Recording Islamic legal rulings according to the Imāmī school]. Mu'assasat al-Imām al-Ṣādiq.
7. Anṣārī, Muḥammad ibn Shujāʿ. (2002). *Maʿālim al-dīn fī fiqh āl Yāsīn* [Landmarks of religion in the jurisprudence of the family of Yāsīn]. Mu'assasat Imām Ṣādiq.
8. Asadī Vānānī, Sayyid Riḍā; Muḥsinī Dihkalānī, Muḥammad; Ibrāhīmī, Saʿīd; & Sulṭānī, ʿAbbās ʿalī. (2019). Jurisprudential explanation of the permissibility of the emerging phenomenon of hypnosis. *Journal of Medical Jurisprudence*, 11(38-39), 21-31.
9. Bandar Rīgī, Muḥammad. (2007). *Al-Munjid* [The guide]. Intishārāt-i Islāmī.
10. Bartarinha. (2015). Is NLP the shortcut to success?. Retrieved from <https://www.bartarinha.ir/fa/news/242557>, Last accessed on June 1, 2025.
11. Beigzādah, Ṣafar. (2019). Collection of Ṣabā laws (49th ed.). Kil-k-i Ṣabā.
12. Edited Collection. (2002). *Mawsūʿat al-fiqh al-Islāmī* [Encyclopedia of Islamic jurisprudence]. Unabridged Ismamic Encyclopedia.
13. Fāḍil Hindī, Muḥammad ibn Ḥasan. (1996). *Kashf al-lithām ʿan qawāʾid al-aḥkām* [Removing the veil from legal principles]. Mu'assasat Nashr Islāmī.
14. Fāḍil Lankarānī, Muḥammad. (2000). *Tafṣīl al-sharīʿah (al-qīṣās)* [Detailed explanation of Islamic law (Talion)]. Al-Aʿimmah al-Aṭḥār Fiqh Center.
15. Fakhlaʿī, Muḥammad Taqī & Naṣrī, Hediya. (2021). The role of hypnosis in forming criminal acts and examining its jurisprudential and legal dimensions. *Journal of Medical Jurisprudence*, 13(43), 1-22.
16. Fakhr al-Muḥaqqiqīn, Muḥammad ibn Ḥasan. (1967). *Idāḥ al-fawāʾid fī sharḥ ishkalāt al-qawāʾid* [Clarification of benefits in explaining difficulties of legal principles]. Ismāʿīliyan.
17. Hāshemlū, Jaʿfar. (2017). Types of magic. Retrieved from <https://jafarhashemlou.blogfa.com/post/1143>, Last accessed on June 1, 2025.
18. Ḥusaynī ʿĀmilī, Muḥammad Jawād ibn Muḥammad. (1998). *Miftāḥ al-karāmah fī sharḥ qawāʾid al-ʿallāmah* [The key of generosity in explaining the rules of the learned scholar]. Mu'assasat Nashr-i Islāmī.
19. Ibn Bābūyah Qummī, Muḥammad ibn ʿAlī (Shaykh Ṣadūq). (n.d.). *ʿIlal al-sharāʾiʿ* [The causes of religious laws]. Maktabat al-Dāwarī.
20. Ibn Manzūr, Muḥammad ibn Mukarram. (1994). *Lisān al-ʿArab* [The Language of the Arabs]. Dār Ṣādir.

21. Kāhidī, Shahrībānū et al. (2017). Sorcery and magic in Islamic jurisprudence with emphasis on emerging instances. *Islamic Jurisprudence and Law Research*, 13(48), 123-142.
22. Khāliqī, Abū al-Faṭḥ & Sayfī, Dāwūd. (2013). The approach of Islamic criminal system to the crime of sorcery. *Journal of Ahl al-Bayt Jurisprudence*, 19(73).
23. Khomeinī, Rūḥ Allāh (Imām). (2013). *Tahrīr al-wasīlah* [The clarification of the means]. Institute for the Codification and Publication of the Works of Imām Khomeinī.
24. Khū'ī, Sayyid Abū al-Qāsim. (1990). *Minhāj al-ṣāliḥīn* [The path of the righteous]. Madīnat al-'Ilm - al-Khū'ī.
25. Khū'ī, Sayyid Abū al-Qāsim. (1997). *Mawsū'at al-Imām al-Khū'ī* [Encyclopedia of Imam Khū'ī]. Institute for the Revival of Works of al-Imām al-Khū'ī.
26. Kulaynī, Muḥammad ibn Ya'qūb. (1987). *Al-Kāfī* (4th ed.).
27. Māh-Āvar, Mahsā. (2017). Death to the whale; Both blue in color. *Legal Journal of Isfahan University*.
28. Mishkīnī Ardabīlī, 'Alī. (n.d.). *Ta'līqah al-istidlālīyah 'alā sharā'i' al-Islām* [Demonstrative commentary on Islamic laws]. Dār al-Ḥadīth.
29. Muḥaqqiq Ḥillī, Ja'far ibn Ḥasan. (1988). *Sharā'i' al-Islām fī masā'il al-ḥalāl wa al-ḥarām* [Islamic laws concerning matters of the permissible and forbidden]. Ismā'īlīyān.
30. Muqaddas Ardabīlī, Aḥmad ibn Muḥammad. (n.d.). *Majma' al-fā'idah wa al-burhān fī sharḥ irshād al-adhhān* [Collection of benefits and proofs in explaining the guidance of minds]. Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī.
31. Mūsawī Sabzewārī, 'Abd al-'Alā. (1993). *Muhadhdhab al-ahkām fī bayān al-ḥalāl wa al-ḥarām* [Refined rulings explaining the permissible and forbidden].
32. Najafī, Muḥammad Ḥasan ibn Bāqir. (n.d.). *Jawāhir al-kalām* [Jewels of speech]. Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī.
33. Narāqī, Aḥmad ibn Muḥammad Mahdī. (1995). *Mustanad al-Shī'ah fī ahkām al-sharī'ah* [The Shi'a reference in Islamic legal rulings]. Mu'assasat Āl al-Bayt li-Ihya' al-Turāth.
34. Nūrī, 'Abbās. (2018). Hypnotherapy in Imāmī jurisprudence. *Journal of Jurisprudence and Ijtihād*, (9), 37-74.
35. Rāghib al-Iṣfahānī, Ḥusayn ibn Muḥammad. (1992). *Mufradāt alfāz al-Qur'ān* [Vocabulary of Qur'anic terms] (1st ed.).
36. Rīkī, Ārām. (2013). What are hypnosis and magnetism?.
37. Sālār Daylamī, Ḥamzah ibn 'Abd al-'Azīz. (1984). *Al-Marāsim fī al-fiqh al-imāmī* [Traditions in Imāmī jurisprudence] (Edited by Maḥmūd Bustān). Manshūrāt al-Ḥaramayn.
38. Sanjarpūr, 'Alī. (2016). An examination of sorcery and magic with a look at the proposed bill of Islamic penal code. Paper presented at the International Conference on Innovation and Research in Humanities, Management and Islamic Studies, Qom.
39. Shahīd al-Awwal, Muḥammad ibn Makkī. (2009). *Mawsū'at al-Shahīd al-Awwal* [Encyclopedia of the First Martyr]. Islamic Science and Research Center.

40. Shahīd al-Thānī, Zayn al-Dīn ibn 'Alī. (1993). *Masālik al-afhām ilā tanqīḥ sharā'ī 'al-Islām* [Paths of understanding to refine Islamic laws]. Mu'assasat al-Ma'ārif al-Islāmīyah.
41. Sharīfī Dūst, Hamzah. (2021). Scientific-specialized session on the law of attraction (The Secret) from the perspective of Quranic verses and religious narrations. Retrieved from <https://tasnim.iau.ir/fa/news/137>, Last accessed on June 1, 2025.
42. Şubhānī, Ja'far. (2011). Advanced jurisprudence course (Book of Hudūd and Ta'zīrāt): Ruling on killing someone through sorcery. Retrieved from www.eshia.ir, Last accessed on June 1, 2025.
43. Suhaylīfar, Nahāl. (2018). What is telepathy?. Retrieved from <https://digiro.ir/telepathy/>, Last accessed on June 1, 2025.
44. Tabnak. (2016). The strangest execution method: Death by mental suggestion. Retrieved from <https://www.tabnak.ir/fa/news/617695/>, Last accessed on June 1, 2025.
45. Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. (1967). *Al-Mabsūt fī fiqh al-imāmīyah* [The extensive work on Imāmī jurisprudence]. Maktabat al-Murtaḍawīyah.
46. Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. (1987). *Al-Khilāf* [The book of disagreements]. Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī.
47. Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. (1987). *Tahdhīb al-aḥkām* [The refinement of rulings] (4th ed.).
48. Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan. (1993). *Al-Tibyān fī tafsīr al-Qur'ān* [The clarification in Qur'anic exegesis]. Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī.
49. Wikipedia. (2024). Black magic. Retrieved from https://en.wikipedia.org/wiki/Black_magic, Last accessed on June 1, 2025.
50. Wikipedia. (2024). Blue Whale game. Retrieved from [https://en.wikipedia.org/wiki/Blue_Whale_\(game\)](https://en.wikipedia.org/wiki/Blue_Whale_(game)), Last accessed on June 1, 2025.
51. Wikipedia. (2024). Neuro-linguistic programming. Retrieved from https://en.wikipedia.org/wiki/Neuro-linguistic_programming, Last accessed on June 1, 2025.
52. Wujdānī Fakhr, Qudratullāh. (2005). *Al-Jawāhir al-fakhrīyah fī sharḥ al-rawḍah al-bahīyah* [The glorious jewels in explaining the radiant garden]. Tibyān